

## بررسی وضعیت جریان اباضیه در دوره معاصر

سیدمرتضی عادلی\*

### چکیده:

اباضیه از جریان‌های کلامی انشعاب‌یافته از خوارج است که تا عصر حاضر در جهان اسلام ظهور و بروز داشته و از نظر کلامی و فقهی، جریانی مستقل به شمار می‌رود. در دوره‌ی معاصر وضعیت این جریان فکری در ابعاد مختلف بر بسیاری پوشیده است و غالباً شناخت‌ها در این باره مبتنی بر کتاب‌های کلامی کهن بوده که به‌جز در مواردی، از ارزش چندانی برخوردار نیست. نوشتار حاضر می‌کوشد با کاوش در منابع جدید و معاصر اباضی، اعم از مکتوبات و رسانه‌های مجازی مربوط به اباضیان، دورنمایی از اوضاع عقیدتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی همچنین رابطه‌ی آنها با مذاهب دیگر را تصویر نماید. اباضیه به عنوان نسخه‌ی اعتدال‌یافته‌ی خوارج، در بسیاری مسائل عقیدتی و سیاسی، رویکردی عقلانی‌تر و متفاوت با خوارج نخستین اختیار نموده‌اند. اباضیان که امروزه بیشتر در کشور عمان و نیز شمال و شرق افریقا حضور دارند، افزون بر بهره‌گیری از رسانه‌های نوین چون اینترنت و داشتن نظام ترویج اندیشه «العزّابه» در شمال افریقا، فعالیت‌های اجتماعی، تبلیغی و سیاسی قابل توجهی در این مناطق، به‌ویژه در عمان داشته و با دیگر مسلمانان، اعم از شیعه و سنی تعامل مناسبی دارند. جریان کلامی اباضیه را هم می‌توان به دو جریان عمان و الجزائر تقسیم کرد که دومین گروه، گرایش‌های سلفی دارد.

واژگان کلیدی: اباضیه، خوارج، عمان، العزّابه، اهل بیت علیهم‌السلام، شیعه، اهل سنت

## مقدمه

در جهان امروز، شناخت آیین‌ها و مذاهب از یکدیگر برای تعاملات، ارتباطات و مناسبات فرهنگی از امور اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده، پیروان آن و گروه‌های مختلف درون این دین، برای نیل به وحدت، تقریب یا حداقل همزیستی مسالمت‌آمیز ملزم به داشتن آگاهی‌هایی بیشتر هستند که سبب برخوردهای صحیح‌تری نسبت به دیگر مذاهب می‌گردد. از جمله فرقه‌های اسلامی که در طول تاریخ اسلام، در دوره‌ی بسیار طولانی در انزوا بوده و کمتر با دیگر مذاهب اسلامی مراد شده، فرقه‌ی اباضیه است. اباضیه که همانند شیعه‌ی امامیه دارای جریان کلامی و فقهی مستقل بوده و به عنوان یکی از مذاهب هشت‌گانه‌ی اسلامی شناخته می‌شود، تا چندی پیش ارتباط خاصی با دیگر مذاهب، آن هم به گونه‌ای صمیمی و پررنگ نداشته است؛ اما در سالیان اخیر و با یاری برخی بزرگان خود که علاقه‌ی زیادی به گوشه‌گیری از خود نشان نمی‌دادند، خود را بیشتر در صحنه‌ی جهان اسلام مطرح نموده و در مجامع بین‌مذهبی حضور پررنگ‌تری یافته‌اند؛ از این رو ضروری می‌نماید از این جریان اسلامی که انشعاب‌یافته از خوارج نخستین‌اند، ولی اکنون خود را از خوارج به حساب نیاورده حتی از برخی از آنها تبری می‌جویند، شناختی هرچند اندک و در حد یک مقاله به دست آید و بخشی از وضعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی آنان به تصویر کشیده شود. نوشتار حاضر می‌کوشد با بهره‌وری و کاوش در منابع جدید و معاصر اباضی، اعم از کتاب‌ها و رسانه‌های مجازی، دورنمایی از اوضاع عقیدتی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی همچنین برخورد آنها با مذاهب دیگر ترسیم نماید. البته باید دانست که در این جستار به اندیشه‌های فقهی و کلامی اباضیه و تحلیل آنها که فرصتی تفصیلی می‌طلبد، پرداخته نشده و بیشتر، موارد یادشده پردازش گردیده‌اند؛ اما به برخی از آنها در خلال مطالب آینده اشاره شده است.

در گذشته به جز در موارد اندکی چون کتاب الإباضیه بین الفرق الإسلامیه نوشته‌ی علی یحیی معمر، از بزرگ‌ترین شخصیت‌های معاصر اباضی و دراسات عن الإباضیه، نگاشته‌ی دکتر عمرو خلیفه النامی، دیگر اندیشمندان اباضی به زبان عربی و بخشی از کتاب بحوث فی

الملل و النحل، اثر شیخ جعفر سبحانی به زبان فارسی که البته دچار ضعف‌هایی نسبت به دوران معاصر است، تا کنون اثر درخوری در باب ابعاد مختلف اباضیه‌ی کنونی نوشته نشده بود؛ اما در سال‌های اخیر کتاب تاریخ و اعتقادات اباضیه اثر علی‌اکبر ضیایی نگاشته شد که به بیان جوانب مختلف تاریخی، اعتقادی و فقهی اباضیه و گاهی بررسی تطبیقی اندیشه‌های ایشان با شیعیان همت گماشته است. نکته‌ای که در کتاب یادشده نیز به چشم می‌خورد، پرداختن به جریان کنونی اباضیه و اوضاع موجود در میان آنهاست.

از امتیازات نوشتار پیش رو می‌توان به استفاده از منابع اینترنتی و معرفی سایت‌های الکترونیکی اجتماعی، خبری، فرهنگی و سیاسی پیروان این فرقه و حکومت عمان که در منابع گذشته وجود ندارد، معرفی برخی از علمای کنونی بزرگ اباضیه که در نگاشته‌های پیشین نامی از آنها نیامده است، ترسیم دورنمایی از پراکندگی جمعیتی و مناطق تمرکز این فرقه که به این صورت در هیچ کتابی یافت نشد و گفت‌وگوی حضوری نگارنده برای به‌دست‌آوردن برخی مطالب راجع به اباضیان برخی کشورها با افرادی از آن کشور و گرفتن اطلاعات از آنها اشاره نمود؛ همچنین نوآوری این مقاله، شیوه‌ی نگارش، تحقیق، دسته‌بندی و برخی مطالب جدیدی است که برای خواننده محترم تازگی خواهد داشت.

نکته‌ی بسیار مهمی که در اینجا باید بدان توجه داشت، آن است که نباید به دنبال دامن‌زدن به اختلافات و نسبت‌دادن ناروای بسیاری مسائل، آن هم بدون آگاهی به فرقه‌ها و گروه‌های مختلف بود. وقتی فرقه‌ای مانند اباضیه و علمای معاصر آنها از بسیاری عقائد خرافی که بیشتر مخالفان و دشمنان آنها به ایشان نسبت داده‌اند، تبری می‌جویند، چرا هنوز باید بر نسبت‌دادن همان عقاید خرافی و افراطی به آنها تأکید کرد. این امر راجع به دیگر فرقه‌ها و مکاتب نیز صدق می‌کند و باید در نسبت‌دادن عقیده یا هر مورد دیگری جانب انصاف و احتیاط را رعایت نمود.

## ۱. پیدایش اباضیه و اطلاق لفظ خوارج بر آن

### ۱-۱. پیدایش اباضیه

این فرقه منسوب به عبدالله بن اباض تمیمی (متوفای ۸۶ق) است که از رهبران خوارج



در قرن اول هجری به شمار می‌رود. برخی اباضیه را معتدل‌ترین فرقه‌ی خوارج دانسته، آنها را از نظر فکری نزدیک‌ترین فرقه‌ی خوارج به جماعت اسلامی می‌شمارند؛ چراکه افراط و غلو در آنها کمتر بوده و دارای فقه متعادلی هستند؛ همچنین معتقدند عالمان فهیم و برجسته‌ای در میان آنها وجود دارد (ابوزهره، ۱۹۹۶م، ص ۷۶). باید دانست اباضیه‌ی معاصر خود را «اهل الدعوه»، «اهل الحق و الاستقامه» و «جماعت المسلمین» می‌خوانند. این شعار در کتاب‌ها، رسانه‌ها و سایت‌های اینترنتی آنها به روشنی قابل مشاهده است (ر.ک: السالمی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۶؛ معمر، [بی‌تا]، ص ۹؛ اعوش، ۲۰۰۹م، ص ۱۲).

سرآغاز و منشأ فرقه‌ی اباضیه که از قدیمی‌ترین فرق اسلامی است، ارتباط تنگاتنگی با خوارج دارد؛ از آن‌رو که این گروه برآمده از میان خوارجی هستند که راه افراط را در پیش گرفته و با عقایدی چنین، جان و مال عده‌ی فراوانی از مسلمانان را محترم نمی‌شمردند. ظهور بیرونی گروه موسوم به خوارج، پس از جریان حکمیت و جنگ صفین میان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه رخ داد؛ به این ترتیب که همان افرادی که حضرت را مجبور به پذیرفتن حکمیت و داوری شخص دیگری میان ایشان و معاویه کردند، پس از مشاهده‌ی نتیجه‌ی حکمیت، اعتراض نموده و امام علی علیه السلام را تحت فشار گذاشتند تا از این کار خود توبه کند. حاصل آن، جنگ میان امام علی علیه السلام و مارقین (خوارج) در منطقه‌ی نهروان بود که خوارج در آن شکست خوردند. پس از آن خوارج به کار خود ادامه داده، بسیاری از آنها اندیشه‌هایی تکفیری و بنیادگرایانه اختیار نمودند. ازارقه به سرکردگی نافع بن ازرق (۶۵ق) نخستین گروهی بودند که از بدنه‌ی خوارج انشعاب پیدا کردند (اشعری، ۱۴۱۵ق، ص ۶) و با داشتن آرای تندروانه در برابر مخالفان خود، افراطی‌ترین فرقه‌ی خوارج نیز لقب گرفتند. عبدالله بن اباض که از همراهان نافع بن ازرق بود، با مشاهده‌ی آرای افراطی وی، از او جدا شد و گروهی نیز به او پیوستند.<sup>۱</sup> برائت ابن اباض از نافع بن ازرق در آنچه برخی مورخان مانند طبری گزارش کرده‌اند، مشهود است (طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۵۶۸).

اباضیان در شکل‌گیری فرقه‌ی اباضیه، نقش ابوالشعثاء جابر بن زید ازدی (۹۶ق) تابعی،

۱. برای مشاهده‌ی زمینه‌های سیاسی پیدایش اباضیه، ر.ک: هاشم، ۲۰۰۳م، ص ۵۰-۵۴.



شاگرد ابن عباس را با اهمیت تر از عبدالله بن اباض دانسته، او را اولین و بزرگ‌ترین امام اباضیه می‌خوانند (معمر، ۱۴۲۹ق، ص ۵۳). وی که اصلیتی عمانی داشت (البارونی، ۱۳۳۵ق، ص ۲۷)، افکار و آرای خود را در بصره ترویج می‌کرد. برخی حتی بنیان‌گذاری ابن اباض برای اباضیه را دقیق ندانسته، کارگزاران اموی را در این باره دخیل شمرده‌اند و در مقابل، جابر را مؤسس این فرقه دانسته (معمر، [بی‌تا]، ص ۹؛ جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۴۲)، نقش عبدالله بن اباض را که از شاگردان جابر به حساب می‌آمده، بیشتر در عرصه‌ی سیاسی برجسته می‌کنند (معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۲۲). ابو عبیده مسلم بن ابی کریمه (۱۵۸ق) و امام ربیع بن حبیب بن عمرو ازدی (متوفای حدود ۱۷۱-۱۸۰ق) دیگر امامان مهم اباضیه به شمار می‌آیند (السالمی، ۱۹۶۳م، ج ۱، ص ۶). از عالمان متقدم این فرقه باید از سالم بن ذکوان هلالی (زنده در ۹۹-۱۰۱ق)، ابوالحر علی بن حصین عنبری (۱۳۰ق)، ابومودود حاجب طائی (متوفای حدود ۱۴۵ق) و ابوغانم بشر بن غانم خراسانی (۲۰۰ق) یاد کرد (ر.ک: الشماخی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۸۴-۸۶ و ۱۰۹ و ۱۹۴؛ جمعی از نویسندگان، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۹۲؛ الدرجینی، ۱۹۷۴م، ج ۲، صص ۲۴۸-۲۵۳؛ النامی، ۲۰۰۱، ص ۱۰۶؛ البوسعیدی، ۲۰۰۰م، ص ۸۹؛ ناصر، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴۰-۳۸۵؛ السیابی، ۱۴۰۰ق، صص ۹۷ و ۱۱۳-۱۱۴) و در میان عالمان و اندیشمندان معاصر می‌توان از مفتی بزرگ کنونی حکومت عمان و اباضیه احمد بن حمد الخلیلی (متولد ۱۳۶۱ق) و نیز قطب الأئمه محمد بن یوسف اَطْفِیْش (۱۳۳۲ق)، نورالدین سالمی (۱۳۳۲ق) (مرجع مردم عمان)، ابراهیم ابوالیقظان (۱۳۹۳ق)، علی یحیی معمر (۱۴۰۰ق)، ابراهیم بن عمر بیوض (۱۴۰۱ق)، محمد علی دبوز (۱۴۰۲ق) و عمرو خلیفه نامی (ربوده شده در سال ۱۴۰۶ق توسط معمر قذافی) نام برد.

در طول تاریخ، برای اباضیه فرقه‌هایی نیز ذکر شده است که وهبیه، نفائیه، حسینیّه، سکاکیه، حارثیه و نُکاریه در زمره‌ی آنها به شمار می‌آیند. برخی برآن‌اند که از میان این فرقه‌ها، تنها وهبیه در شمال آفریقا به حیات خود ادامه داده است؛ اما باید دانست که وهبیان همان جریان اصلی اباضیه در برابر اقلیت‌های مخالف امام عبدالوهاب رستمی بوده و فرقه‌ای جداگانه نیستند (ر.ک: اسفراینی، ۱۳۷۴ق، ص ۵۷؛ بغدادی، ۱۴۰۸ق، صص ۸۲-۸۴؛

شهرستانی، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ لویکی، ۱۳۵۵ش، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴). جریان اصلی در میان اباضیان همان اباضیه، به مثابه یک جریان کلی است، نه فرقه‌هایی چون گروه‌های نام‌برده؛ چراکه از چنین شاخه‌هایی دیگر نمود و بروزی مشاهده نمی‌شود و مدت‌هاست که در بدنه‌ی اصلی هضم شده‌اند.

## ۲-۱. اباضیه، نه خوارج

یکی از نکات مهم درباره‌ی اباضیه، به‌ویژه اباضیان کنونی این است که آنها خود را از خوارج نشمرده، به‌شدت از این امر دفاع می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از عالمان معاصر اباضی در نگاشته‌های خود بدان اشاره کرده‌اند (معمّر، ۱۴۲۹ق، ص ۳۷؛ اعوشت، ۱۹۸۸م، ص ۲۳-۳۲). آنان نویسندگان فرق و مذاهب را به عدم آگاهی صحیح، داشتن نگاه بیرونی به فرقه، ورود به بحث با پیش‌زمینه‌های ذهنی گذشته، توجه به شایعه‌های موجود در میان دیگر فرق، داشتن انگیزه‌های تعصبی و گاه سیاسی و عدم رجوع به منابع بومی و داخلی اباضیه متهم می‌کنند (اعوشت، ۲۰۰۹م، ص ۷۱) که البته بخشی از این موارد را می‌توان پذیرفت؛ اما برخی دیگر از آنها مسائلی هستند که در باب تمام فرقه‌ها و مذاهب صادق بوده و ویژه‌ی اباضیه نیست. اباضیان تنها اشتراک خود با خوارج را در مسئله‌ی تحکیم بعد از جنگ صفین میان امام علی علیه السلام و معاویه می‌دانند (المربوبی، ۱۹۸۰م، ص ۳۵-۳۸؛ خلیفات، ۱۴۱۵ق، ص ۵۳؛ جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۱۱۵؛ بنت سعید، [بی‌تا]، ص ۸-۱۰). البته آنها در شرط ندانستن قریشی بودن امام نیز با خوارج هم عقیده‌اند (الجعبیری، ۲۰۱۵م، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۲۱۸)؛ همچنین برخی از سران خوارج مانند عبدالله بن وهب راسبی را از بزرگان خویش می‌دانند (السالمی، ۱۴۰۱ق، ص ۸). ابواسحاق ابراهیم اطفیش المیزابی (۱۳۸۵ق)، از علمای اباضی معاصر در الجزائر، در زمره‌ی کسانی است که اطلاق لفظ خوارج را بر اباضیه نپسندیده و معتقد است:

اطلاق لفظ خوارج بر اباضیه‌ی اهل حق و استقامت از ادعاهای ناروایی است که نخست از تعصب سیاسی و سپس از تعصب مذهبی نشئت می‌گیرد. غالبان مذاهب این مطلب را ابراز داشته و میان اباضیه و ازارقه و صفریه و نجدیه خلط کرده‌اند. اباضیه‌ی اهل



الحق وجه اشتراکی با صفریه و ازارقه و مانند آنها جز در انکار حکومت علی ع و معاویه ندارند. حلال شمردن خون و اموال اهل توحید و حکم به کفر و شرك آنها متعلق به ازارقه، صفریه و نجدیه است و به همین دلیل است که خون مسلمانان را مباح می‌شمرند. از آنجایی که مخالفان ما انصاف به خرج نداده و زحمت جست‌وجو و تحقیق درباره‌ی حقیقت را به خود نمی‌دهند تا بدان دست یابند، میان اباضیه‌ی اهل حق که قطره‌ای از خون موحدی معتقد به توحید را مباح ندانسته و میان کسانی که ریختن خون آنها را به سبب گناهان کبیره مباح می‌دانند و حتی فرزندان آنها را به تبعیت از پدرانشان از دم تیغ می‌گذرانند، خلط نموده‌اند. تفاوت در اینجا به‌سان فرق میان حلال و حرام، بسیار بزرگ است و آن را می‌توان از تاریخ دریافت (السالمی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۶).

## ۲. پراکندگی جغرافیایی اباضیان

در این قسمت به پراکندگی جمعیتی اباضیان در مناطق مختلف اسلامی پرداخته می‌شود و به تفکیک هر کشور، از میزان جمعیت و شهرهای اقامت اباضی‌مذهبان سخن گفته خواهد شد. بیشترین تمرکز جمعیتی آنها کشور عمان بوده، بقیه‌ی آنان در کشورهای دیگر اسلامی به‌ویژه کشورهای شمال آفریقا سکنی گزیده‌اند.<sup>۱</sup> این مناطق در دو دسته‌ی جزیره العرب و آفریقا بررسی می‌گردد:

### ۲-۱. جزیره‌ی عربی

**عمان:** اباضیه از همان قرن اول اسلامی وارد کشور عمان شد. بیشترین تأثیر در ورود این مذهب به این منطقه از آن جابر بن زید ازدی است که خود از اهالی عمان است. او نشر و گسترش عقاید خود را به وسیله‌ی بیان آنها و فرستادن مبلغانی به مناطق مختلف اجرایی می‌نمود (ر.ک: هاشم، ۲۰۰۳م، ص ۱۴۹-۱۵۹؛ خلیفات، ۲۰۰۲م، ص ۱۲۷-۱۳۲). اباضیه از اوایل قرن دوم هجری به عنوان مذهب رسمی مردم این دیار شناخته شد و در پناه حکومتی اباضی تا کنون اباضیان عمان در اکثریت هستند. بیش از نیمی از جمعیت حدود سه میلیون و

۱. درباره‌ی خوارج، به‌ویژه اباضیه در آفریقا، ر.ک: اسماعیل، ۱۹۷۶م.

چهارصد هزار نفری کشور عمان در سال ۲۰۱۰ میلادی که تقریباً دو میلیون نفرند، اباضی مذهب بوده (۶۶٪) و دیگر مردم اهل سنت (۲۲٪) یا از شیعیان اسماعیلی و اثنی عشری (۱۲٪) هستند.

بیشترین تمرکز جمعیتی اباضیان نیز در کشور عمان است که در زمان ما رویکردی مثبت و وحدت‌گرایانه با دیگر گروه‌های اسلامی دارند و از تعامل مناسبی با ایشان برخوردارند. این کشور و حکومت آن بیشترین نقش را در معرفی و بیان اعتقادات اباضیه در جهان دارند و از تمام پیروان این مذهب در هر نقطه‌ی جهان حمایت کرده، مرکز اصلی اباضیه به شمار می‌روند؛ همچنین این کشور از قرون نخستین اسلامی بر مبنای اصول شرعی اباضی اداره شده و سلطان قابوس، پادشاه کنونی عمان نیز خود را معتقد به این مذهب می‌داند.

**یمن و حضرموت:** یمن و حضرموت از اولین مناطقی در قرن دوم اسلامی است که حرکت سیاسی اباضیه در آن به چشم می‌خورد. جنبش و حرکت اباضی در این منطقه، در ابتدا موفقیت‌هایی نسبی به دست آورد؛ اما این حرکت به دلایلی در حضرموت و یمن دوام چندانی نیافت و در انتهای قرن هفتم هجری به خاموشی گرایید (بنت سعید، [بی‌تا]، ص ۴؛ هاشم، ۲۰۰۳م، ص ۸۷-۱۴۷). نکته‌ی قابل ذکر آنکه هنوز هم گزارش‌هایی از حضور بسیار کم‌رنگ اباضیان در این مناطق به گوش می‌رسد.

## ۲-۲. افریقا

درباره‌ی تاریخ دقیق ورود اباضیه به افریقا به‌ویژه شمال آن اطلاع دقیقی در دست نیست. تنها نشان این است که در زمان مروان دوم (۱۳۲ق)، آخرین حاکم دودمان بنی‌امیه، مذهب اباضیه در طرابلس به‌گونه‌ای آشکار ظهور و بروز داشته است (البارونی، ۱۳۳۵ق، ص ۳۲). بعدها این جریان در شمال افریقا گسترش نسبی یافته و اکنون در کشورهای مختلفی به صورت اقلیت‌های عمده یا جزئی ادامه‌ی حیات می‌دهند. در ادامه به مهم‌ترین کشورهای دربردارنده‌ی پیروان اباضیه در افریقا اشاره خواهد شد.

**الجزائر:** از مراکز مهم جمعیتی اباضیه در افریقا کشور الجزائر، استان گردایه و منطقه‌ی میزاب در این کشور است. مردم این دیار از قرن چهارم هجری با دعوت یکی از مبلغان





اباضی به نام ابو عبدالله محمد بن بکر فرسطنائی نفوسی (۴۴۰ق) به این مذهب گرویدند و در الجزائر به نام بنی میزاب شناخته می‌شوند. از قرن پنجم هجری به بعد، میزاب تبدیل به مرکزی مهم برای تجمع پیروان اباضیه شده است (معمار، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی چهارم، ص ۱۹۷). حضور ده‌ها هزار از اباضی مسلکان در الجزائر تنها به میزاب که در ۱۸۰ کیلومتری جنوب الجزیره واقع شده است، محدود نشده و آنها در شهرهای دیگری چون الجزیره و بریان نیز سکونت دارند؛ اما تمرکز جمعیتی‌شان مانند میزاب نیست. اباضیان در مرکز شهر الجزیره، پایتخت کشور، مسجدی بزرگ و قدیمی دارند که از قرن سوم تا کنون باقی مانده و اکنون مدرسه‌ای قرآنی و کتابخانه‌ای مجهز به آثار مختلف علوم اسلامی و غیراسلامی دارد (کوک، ۱۳۷۳ش، ص ۹۸).

**تانزانیا و زنگبار<sup>۱</sup>:** گروهی از مسلمانان عمانی‌الاصول زنگبار که معروف به بستان شرق افریقا است در زمهری پیروان فرقه‌ی اباضیه، شعبه‌ی پیشرفته‌ی خوارج به حساب می‌آیند. برخی منابع درباره‌ی این منطقه برآن‌اند که شمار این مسلمانان در حدود سه هزار نفر است. سابقه‌ی حضور آنها در این سرزمین به قرن‌های اولیه‌ی هجری قمری باز می‌گردد. در قرن‌های دوم و سوم هجری گروهی از خوارج به همراه سایر مسلمانان از عمان عازم زنگبار شدند و در این جزیره سکونت یافتند. پس از ورود اعراب عمانی به زنگبار، در اوایل قرن هیجدهم میلادی، عده‌ای دیگر از اباضی‌ها در این منطقه مستقر گشتند. شغل اصلی اباضیان زنگبار تجارت بوده و امروزه بیشتر آنان در بازار بزرگ آن دیار به خرید و فروش کالاهای گوناگون می‌پردازند. آنها در شهرهای دارالسلام و جزیره‌ی اصلی زنگبار (اونگوجا) مساجدی دارند؛ اما از نظر فعالیت‌های تبلیغی چندان فعال نیستند. آنها اشتراکات قومی و مذهبی با مسلمانان عمانی داشته، هر چند سال یک‌بار، به این کشور سفر می‌کنند (ر.ک: عرب احمدی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۵۲؛ ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۴؛ رستم، ۲۰۰۵م، ص ۲۰۸).

اما در مصاحبه‌ای که نگارنده با یکی از اباضیان این دیار داشته، وضعیت اجتماعی و

۱. نکته‌ای که باید درباره‌ی این دو منطقه دانست، این است که تانزانیا و زنگبار در مواردی چون ارتش نظامی، گذرنامه و... مشترک و در موارد دیگری چون پارلمان، وزارت‌ها و... از یکدیگر مستقل‌اند.

فعالیت‌های اباضیه در زنگبار به‌گونه‌ای دیگر و بسیار فعال‌تر و با نشاط‌تر از مطالب سطور گذشته بیان شده است. توضیح بیشتر این مطلب در بخش پرداختن به وضعیت اجتماعی اباضیان خواهد آمد.

**لیبی:** در کشور لیبی که بیشتر مسلمانان آن اهل سنت و مالکی هستند، اکنون عده‌ی کمی از مردم آن از پیروان مذهب اباضیه‌اند که گروه باقی‌مانده از بربرهای اباضی بوده و در مناطق کوه‌های غربی، یعنی جبل نفوسه و زواره زندگی می‌کنند (ر.ک: معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی دوم، ص ۱۲۹-۴۸۸؛ البارونی، ۱۳۳۵ق، ص ۳۰؛ امیرشاهی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳؛ کوک، ۱۳۷۳ش، ص ۶۴). گفتنی است برخی از علمای بزرگ اباضی معاصر چون علی یحیی معمر و محمد علی دپوز از اهالی جبل نفوسه در لیبی هستند. ابن حوقل زمانی که از جبل نفوسه سخن به میان می‌آورد، درباره‌ی وجود تاریخی پیروان اباضیه در این منطقه می‌نویسد:

در آنجا گروهی از اباضیه و وهبیه حضور دارند که بعد از عبدالله بن اباض و ابن وهب راسبی در آن فرود آمدند. آن دو در آن کوه مردند. اهالی این کوهستان اسلام نیاورند و جز خوارج در آن مسکن نگزیدند و این خوارج پس از جنگ نهروان به آنجا روانه شدند (ابن حوقل، [بی‌تا]، ص ۹۳).

**تونس:** در ابتدای قرن دوم هجری مذهب اباضی به‌سرعت در تونس انتشار یافت. نفوذ اباضیه در کشور تونس در جزیره جربه بالا گرفت و با تلاش‌ها و سفرهای متعدد سلمه بن سعد، مبلغ اباضی که بیشترین تأثیر را در دعوت مردم و ایمانشان به مکتب اباضیه داشت، بسیاری از ساکنان آن منطقه مذهب اباضی را اختیار نمودند و بعدها افرادی چون عبدالرحمن بن رستم راهی بصره شدند تا از ابوعبیده مسلم بن ابی کریمه، شیخ اباضیه در عراق، علم‌آموزی کنند (معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی سوم، ص ۴۹۹-۵۰۰). اکنون نیز چندین هزار اباضی در تونس و جزیره‌ی جربه زندگی می‌کنند (کوک، ۱۳۷۳ش، ص ۷۸).

**بوروندی و رواندا<sup>۱</sup>:** پیروان اباضیه در دو کشور بوروندی و رواندا نیز حضور دارند که بیشترشان از عمانی‌هایی هستند که به آنجا مهاجرت کرده، تعدادشان به چند هزار نفر می‌رسد. این افراد در آن منطقه به نام «اعراب» مشهورند (همان، ص ۴۰۲). به گفته‌ی برخی از

۱. هر دو کشور همسایه‌ی تانزانیا بوده و در کنار یکدیگر قرار دارند.

اهالی کشور بوروندی که نگارنده با آنها دیدار داشته است، این کشور هم دارای ساکنانی اباضی است که در جامعه‌ی بوروندی به چشم می‌آیند.

**موریتانی:** موریتانی از جمله کشورهایی است که قرن‌های متمادی میزبان بربرهای اباضی بوده است؛ اما به نظر می‌رسد مردم این منطقه گرایشی به مذهب آنان پیدا نکرده باشند (همان، ص ۱۳۷). وضعیت مذهبی کنونی مردم این کشور که بیشترشان عقیده‌ای غیر از مسلک اباضی دارند، مؤید این مطلب است. همچنین برخی از دوستان اهل موریتانی نگارنده بر این نکته تأکید می‌کنند که اکنون ظهور و بروزی از مردمان اباضی در کشورشان مشاهده نمی‌کنند.

**اتیوپی (اریتره):** گزارش‌ها حاکی از آن است که اباضیان در این کشور نیز حضور دارند؛ اما در گفت‌وگوی حضوری با برخی از عالمان آن دیار مشخص گردید که این حضور چشمگیر نبوده و بسیار کم‌رنگ است. اباضیان موجود در این کشور بیشتر از سوماتالی‌هایی هستند که به اتیوپی مهاجرت نموده‌اند و در میان قبایل حضرموتی زندگی می‌کنند (همان، ص ۴۷۷).

**مغرب (مراکش):** مغرب کشوری واقع در غربی‌ترین منطقه‌ی شمال آفریقا است که از همان قرن اول هجری پذیرای اسلام در هیئت خوارج صفریه و سپس اباضیه بوده است (همان، ص ۴۹-۵۰). هیچ‌یک از منابع رصدشده‌ی معاصر که متذکر مراکز جمعیتی اباضیه‌ی کنونی شده‌اند، اشاره‌ای به حضور و بروز اباضیه در کشور مغرب نکرده‌اند.

**کنیا:** در کشور کنیا هم عده‌ای از پیروان مسلک اباضیه حضور دارند؛ اما به‌سان برخی دیگر از کشورهای آفریقایی، بیشتر اینها عمانی‌های اباضی مهاجر هستند که در آنجا زندگی می‌کنند (عرب احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۲۹). نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی اباضیان کنیا آن است که در میان آنان با عنایت به فقه خودشان قضاوت می‌شود (کوک، ۱۳۷۳ش، ص ۵۲۰).

### ۳. وضعیت اجتماعی و فرهنگی اباضیان

در سطور گذشته روشن شد که مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی اباضیان عبارت‌اند از: کشور عمان، استان گردایه و منطقه‌ی میزاب (و بخشی در شهر الجزیره) در الجزایر،



شهرهای دارالسلام و زنگبار در تانزانیا، جبل نفوسه و زواره در لیبی، جزیره جربه در تونس و مهاجرین عمدتاً عمانی در کشورهای نظیر موریتانی، کنیا، مراکش و سومالی‌های مهاجر به اتیوپی ساکن در میان قبایل حضر موتی. در این قسمت به بیان وضعیت اجتماعی و فرهنگی کنونی اباضیان در این مناطق پرداخته خواهد شد و از امور تبلیغ، نظام ترویج اندیشه و برخی مسائل اجتماعی سخن به میان خواهد آمد.

درباره‌ی نظام تبلیغی اباضیان باید گفت که از همان ابتدای نشو و نمو اباضیه، تبلیغ در این مذهب رایج بوده و توسط گروه‌هایی با نام «حمله العلم» (حاملان علم) انجام می‌پذیرفته است. اولین کسی که این مجموعه‌ی تبلیغی را سامان داده و مبلغانی را به نقاط مختلف سرزمین اسلامی روانه نمود، ابوعبیده مسلم بن ابی کریمه در قرن دوم هجری بوده است. اکنون نیز اباضیان از شیوه‌های مختلفی در تبلیغ استفاده کرده، بیشتر بر تبلیغ عملی تأکید می‌ورزند. آنها در مناطق مختلف جهان اسلام مانند شرق آفریقا با ساختن مساجد و مدارس و... و گاهی بدون درج نام یا معرفی اباضیه در آنجا به تبلیغ عملی دست می‌یازند و به‌طور غیر مستقیم مردم را به کیش اباضی فرا می‌خوانند (عرب احمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۳۹۱).

در گذشته اباضیه به‌سان باطنیه، آثارشان را تنها در میان خود توزیع می‌نمودند؛ محدوده‌ی تعالیم آنها داخلی بوده و کتاب‌های مربوط به مذهب باید در میان مساجد اباضیه جست‌وجو می‌گردید؛ اما اکنون رابطه‌ی علمای اباضی با عالمان دیگر مذاهب پیشرفت فراوانی داشته و سعی شده است تراث اباضی در بسیاری از کتابخانه‌های غیر اباضی قابل دستیابی باشد. نمونه‌ای از این امور، شرکت در نمایشگاه کتاب سالیانه‌ی بین‌المللی تهران و دیگر کشورهاست که اباضیان منابع فراوان گذشته و معاصر خویش را در غرفه‌هایشان به نمایش گذاشته و به فروش می‌رسانند؛ همچنین سلطنت عمان از نشر کتاب‌های اباضیان حمایت می‌کند؛ ولی این پشتیبانی به اندازه‌ی نیست که تمام آثار اباضیان را در بر بگیرد، تا جایی که عده‌ی قابل توجهی از نویسندگان عمانی، آثارشان را در بیروت یا قم به چاپ می‌رسانند.

نکته‌ی دیگر آنکه اباضیان سعی می‌کنند مدارس و دانشگاه‌هایی برای خود ساخته و ساماندهی کنند؛ برای نمونه در زنگبار، مجموعه‌ای تحصیلی به نام «تونگوو» (Tunguu)



وجود دارد که شامل مهد کودک تا دانشگاه می‌شود و یک فرد اباضی از ابتدای تحصیل تا فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه در آن به کسب علم می‌پردازد. از دلایل ساخت چنین مجموعه‌هایی عدم انحراف عقایدی و اخلاقی شخص اباضی مذهب است که در جوامع دیگر بیم آن می‌رود که تحت تأثیر دیگر فرهنگ‌ها قرار گرفته، از فرهنگ اصلی خود فاصله یابند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این‌گونه مراکز از سوی دولت مرکزی عمان برای تدریس و تبلیغ در جوامعی چون رواندا، بوروندی و... که اباضیه در آن وجود دارد، به کار گرفته می‌شوند و حقوق ماهیانه‌ی خود را از این دولت دریافت می‌کنند. آنان بر این باورند که برای حفظ جوامع اباضی در نقاط مختلف، این‌گونه فعالیت‌ها ضروری است.

عمان و الجزائر که از اصلی‌ترین مراکز اباضی هستند، با یکدیگر اختلافات اعتقادی دارند؛ بدین شکل که اباضیان الجزائر افراطی‌تر از عمانی‌ها بوده و در واقع معتقد به پیروی از سلف خود در ارتباط و سازگاری با دیگر مذاهب و برخی فتاوا می‌باشند و در بسیاری مواضع حاضر به اصلاح و تجدیدنظر نیستند؛ اما اباضیه‌ی عمان، به‌ویژه پس از امامت شیخ احمد بن حمد الخلیلی، مفتی اعظم دولت عمان، سازگاری خوبی با دیگر مذاهب اسلامی از خود نشان داده و ارتباطات مناسبی با دیگر مسلمانان برقرار نموده‌اند و در بسیاری از کنفرانس‌ها و همایش‌های علمای جهان اسلام حضور مستمری داشته‌اند.

در باب پیشرفت محسوس روابط اجتماعی اباضیه با دیگر مذاهب باید به این نکته اشاره نمود که آمدن شخصی چون الخلیلی کمک فراوانی به رونق اجتماعی اباضیان، به‌خصوص اباضیان عمان داشته است؛ چراکه پس از اضطراب‌هایی که در مسئله‌ی امامت اباضیه وجود داشت و سال‌ها امام عادل‌ی که همگان او را بپذیرند، وجود نداشت، الخلیلی به عنوان امامی عادل مطرح گردید و احکامی چون نماز جمعه که در اباضیه بدون وجود امام عادل برگزار نمی‌شود، جان تازه‌ای گرفت و در نهایت زمینه‌ی طراوت اجتماعی و بیرون‌آمدن از زندگی بسته‌ی سالیان گذشته اباضیان را فراهم نمود.<sup>۱</sup>

۱. برگرفته از گفتگوی نگارنده با یکی از اباضیان عمانی.

### ۱-۳. نظام ترویج اندیشه «العزابه»

اباضیان در افریقا دارای تشکیلات خاص اجتماعی به نام «العزابه»<sup>۱</sup> هستند که تقریباً تمام امور جامعه‌ی اباضی را بر عهده دارد. عزابه شورایی است که بر تمام شئون اجتماعی اباضیان احاطه‌ی کامل داشته و اکنون نیز در مناطقی چون میزاب الجزائر وجود دارد. درباره‌ی پیشینه‌ی آن باید دانست که رهبران اباضی پس از سقوط دولت بنی‌رستم به دست فاطمیان مصر، نظام جدیدی برای ترویج اندیشه‌ی خود بنیان نهادند که به آن نظام «العزابه» گفته می‌شد. اولین فردی که این نظام را جایگزین نظام سابق نمود، ابوعبدالله محمد بن بکر فرسطائی نفوسی (۴۴۰ق) است (معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی اول، ص ۸۷). او در این مقطع بیشتر از عنایت به تشکیل حکومت رسمی و جامعه‌سازی، توجه به فردسازی داشت. این نظام زیر نظر شورایی به نام «هیئت العزابه» فعالیت می‌کرد که در رأس بودند. هیئت العزابه بر تمام شئون اباضیان مانند امور دینی، تعلیمی، سیاسی و اجتماعی اشراف کامل داشته، در چهار مسلک یا مرحله‌ی دین یعنی ظهور، دفاع، شراء<sup>۲</sup> (جان‌دادن در راه خدا) و کتمان عقاید برای جامعه‌ی اباضی نقش‌آفرینی می‌کند (ر.ک: معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی اول، ص ۷۶-۷۸؛ النامی، ۲۰۰۱م، ص ۲۷۵-۲۸۸)؛ بدین ترتیب که در زمان ظهور و دفاع که امام حضور دارد، نقش مشاور، عامل یا نائب برای او و در دوره‌ی شراء و کتمان نماینده‌ی امام بوده و کارهای او را انجام می‌دهند.

ساختار تشکیلاتی این نظام بدین سان است:

۱. **شیخ یا رئیس عزابه:** داناترین فرد در شهر و روستا به اصول دینی مذهب اباضی و با کفایت‌ترین آنها و مسئولیت تبلیغ مذهب را در میان توده‌ی مردم عهده‌دار است. وی در دوره‌ی کتمان، جانشین امام شمرده می‌شود.
۲. **گروه مشاوران:** این گروه متشکل از چهار نفر از شیوخ عزابه در شهرهای دیگر

۱. علت نام‌گذاری این هیئت به عزابه (حلقه)، به سبب دایره‌وار نشستن اعضای آن است.

۲. در حالتی که جامعه‌ی اباضی در ضعف باشد و نتواند مستقیماً به جنگ برخیزد، دوره‌ی «شراء» پیش می‌آید؛ یعنی گروهی اندک از آنان (دست‌کم چهل تن) از جان خود گذشته، قیام می‌کنند و به مبارزه با ظلم و فساد می‌پردازند.

است که شیخ ملزم به رعایت نظر آنان است.

۳. امام: یک نفر که عهده‌دار اقامه‌ی نماز جماعت بوده و می‌تواند یکی از چهار مشاور شیخ باشد.

۴. مؤذن: یک نفر که مسئولیت پیگیری اوقات نماز و برپایی اذان را داشته و می‌تواند یکی از چهار مشاور شیخ باشد.

۵. سرپرستان اوقاف: آنها دو نفر از افراد طبقه‌ی میانی (قشر متوسط جامعه از نظر مالی) هستند که مسئولیت واردات و صادرات و توسعه‌ی اوقاف را بر عهده دارند.

۶. گروه معلمان: نظارت و رسیدگی بر تعلیم و تربیت، تنظیم دروس آموزشی و مراقبت از شاگردان و طلاب در طول دوره‌ی تحصیل و شئون آن از وظایف این گروه است.

۷. افراد پیگیر حقوق مردگان: چهار یا پنج نفر که متولی تجهیز، تدفین، نماز بر مردگان و وصیت آنها و تقسیم میراثشان مطابق با احکام اسلامی هستند (ر.ک: معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی اول، ص ۸۰-۸۱؛ حجازی، ۲۰۰۰م، ص ۱۴۹-۱۵۰).

عضویت در عزابه دارای شرایطی است که حافظ قرآن بودن، توانایی تدریس، ملبس بودن به لباس رسمی، رعایت شئون طلبگی عزابه، دوست داشتن آموختن علم و یاد دادن به دیگران، نداشتن اشتغال فراوان دنیوی، معاشرت اندک با اهالی بازار در زمره‌ی آنها قرار دارد (همان، ص ۷۹-۸۹؛ النجار، ۲۰۰۴م، ص ۱۶۱؛ ضیانی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۰۹-۳۱۱).

## ۲-۳. حضور اباضیان در شبکه‌ی جهانی اینترنت

در سخن گفتن از جریان‌ی معاصر، به ویژه وضعیت کنونی آن، ناگزیر باید به امور جدیدی چون فعالیت‌های اینترنتی پیروان آن فرقه و کیفیت حضورشان در شبکه جهانی اینترنت اشاره نمود؛ از این رو در این بخش برخی پایگاه‌های فرهنگی، خبری، علمی و اطلاع‌رسانی اباضیان در اینترنت، با ذکر نشانی، به گونه‌ی فهرست‌وار معرفی می‌شود:

۱. دانشگاه السلطان قابوس در: [www.squ.edu.om](http://www.squ.edu.om)

۲. سایت المجره صوت جدید لأهل الحق والإستقامه در: [www.almajara.com](http://www.almajara.com)



۳. سایت شیخ احمد بن حمد الخلیلی در: [www.alkhalili.net](http://www.alkhalili.net)
۴. وزارت الأوقاف و الشؤون الدینیة در: [www.mara.gov.om](http://www.mara.gov.om)
۵. شبکه اهل الحق و الاستقامة در: [www.ibadhiyah.net](http://www.ibadhiyah.net)
۶. واحة الايمان در: [www.waleman.com](http://www.waleman.com)
۷. المنهاج (جمعیت الشیخ ابی اسحاق ابراهیم اطفیش الجزائری) در: [www.elminhaj.org](http://www.elminhaj.org)
۸. موقع الشیخ ابوالیقظان الجزائری در: [www.aboulyakdan.com](http://www.aboulyakdan.com)
۹. شبکه المزایبه (الشیخ ابراهیم بن عمر بیوض) در: [www.mzabnet.com](http://www.mzabnet.com)
۱۰. أشعّه من الفكر الإباضی در: [www.istiqama.net](http://www.istiqama.net)
۱۱. المكتبة البارونیه (شهر جریه) در: [www.el-barounia.com](http://www.el-barounia.com)
۱۲. موقع الفداء در: [alfida.jeeran.com](http://alfida.jeeran.com)
۱۳. المجتمع المسجدي (میزاب) در: [www.elhamiz.jeeran.com](http://www.elhamiz.jeeran.com)
۱۴. میزاب اون لاین در: [www.mzab-online.com](http://www.mzab-online.com)
۱۵. شبکه فرق در: [www.farqweb.com](http://www.farqweb.com)
۱۶. مکتب الدراسات العلمیه در: [www.veecos.net/ar](http://www.veecos.net/ar)
۱۷. مؤسسه شیخ عمی سعید الجریبی در: [www.irwane.org](http://www.irwane.org)
۱۸. پایگاه مسجد الرحمن در: [www.m-alrahman.net](http://www.m-alrahman.net)
۱۹. جمعیت التراث (القراره در الجزائر) در: [www.tourath.org](http://www.tourath.org)
۲۰. القبس (علوم قرآن و اندیشه اسلامی) در: [www.alkabs.net](http://www.alkabs.net)
۲۱. مندیات نور الإستقامه در: [www.noor-alestiqamah.com](http://www.noor-alestiqamah.com)
۲۲. المكتبة الإباضیه (تختص بنشر كتب الإباضیه أهل الحق و الإستقامه) در:  
[www.ib4di.blogspot.com](http://www.ib4di.blogspot.com)

از میان پایگاه‌های یادشده، برخی مربوط به مراکز فرهنگی چون دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های آنلاین، برخی راجع به اعتقادات مذهبی و پاسخ به شبهات دینی، بعضی درباره‌ی مسائل تاریخی و تعدادی نیز از پایگاه‌های شخصیت‌ها و اندیشمندان اباضی معاصرند. در مقابل، سایت‌های دیگری چون «من هم الإباضیه؟» هم وجود دارند که اهتمام فراوانی برای نقد و بررسی اباضیه از خود نشان می‌دهند.



#### ۳-۴. مهم‌ترین منابع معاصر و ناشران اباضی

یکی از اموری که باید درباره‌ی جریان معاصر اباضیه دانست، منابع مهم کنونی ایشان در علوم مختلف اسلامی است که اباضیان آن آثار را معتبر شمرده، به عنوان مرجعی برای به‌دست‌آوردن باورهای اباضی قابل استناد هستند. نخست باید به دو کتاب الإباضیه فی موبک التاریخ و الإباضیه بین الفرق الإسلامیه اثر شیخ علی یحیی معمر، از نویسندگان بزرگ اباضیه در قرن اخیر یاد کرد که اثر اول در چهار بخش، ابتدا به پیدایش اباضیه و برخی ویژگی‌های ایشان و سپس در سه بخش به تاریخ اباضیه در سه کشور لیبی، تونس و الجزائر پرداخته است. کتاب دوم نیز به بررسی اباضیه در ارتباط با دیگر مذاهب اسلامی و مستشرقان و نظریات ایشان اختصاص یافته است. تیسیر التفسیر اثر محمد بن یوسف اطفیش و فی رحاب القرآن اثر شیخ ابراهیم بیوض، از جمله آثار اباضیان در باب تفسیر قرآن است که گویا اثر اطفیش در این باب مهم‌تر تلقی می‌شود. کتاب الحق الدامغ اثر شیخ احمد الخلیلی و شرح عقیده التوحید اثر شیخ اطفیش نیز به عنوان آثاری مهم در مسائل اعتقادی و کلامی به حساب می‌آیند. گفتنی است الخلیلی در کتابش به برخی باورهای وهابیت نیز توجه دارد. نگاهشده‌ی دیگر دراسات عن الإباضیه اثر دکتر عمرو خلیفه النامی است که نخستین نگارش آکادمیک، آن هم از سوی یک اندیشمند اباضی‌مذهب به شمار می‌رود که از ابعاد مختلف تاریخی، فقهی، کلامی و اجتماعی اباضیان سخن گفته است. از امتیازات این کتاب، جامعیت در موضوع- به‌جز در گستره‌ی جغرافیایی که تأکید بیشتر بر تاریخ و اباضیان شمال آفریقا است-، روش مند بودن و ارجاع به مصادر اصلی اباضیان، به‌ویژه منابع تازه‌یافت‌شده‌ی ایشان است که در آثار پیشین موجود نیست. این کتاب در واقع رساله‌ی دکترای النامی است که از زبان انگلیسی به عربی ترجمه شده است. آخرین منبعی که در این قسمت به آن اشاره خواهد شد، معجم أعلام الإباضیه من القرن الأول الهجری إلى العصر الحاضر در دو بخش مشرق و مغرب اسلامی است که حاوی زندگی‌نامه‌های بزرگان مذهب اباضی از ابتدا تا عصر حاضر است که به وسیله‌ی گروهی از نویسندگان مطرح اباضی معاصر زیر نظر دکتر محمد صالح ناصر به فرجام رسیده است.



همچنین در میان ناشران اباضی مذهب، برخی انتشارات از دیگران متمایزند: نخست «وزارة التراث القومي و الثقافة» (وزارت میراث و فرهنگ ملی عمان) است که از نشر و بازنشر آثار ملی و مذهبی اباضیان به صورت ویژه حمایت می‌کند. ناشر دیگر، «مکتبه الضامری»، یکی از ناشران فعال در زمینه‌ی نشر آثار مهم اباضیه در عصر حاضر در عمان است که مرکز آن در شهر سیب در استان مسقط قرار دارد. این ناشر جدای از آثار تازه، نگاشته‌های متعدد و معتبر اباضیان معاصر را که پیش از این بدون تحقیق و مراجعه به دست دیگرناشران به چاپ رسیده است، با تحقیقی نو، به زیور طبع می‌آراید. «جمعیت التراث» الجزائر نیز از ناشران فعال اباضی در شمال افریقا محسوب می‌گردد.

### ۳-۵. اباضیه و اهل بیت علیهم‌السلام

پیروان اباضیه از اهل بیت علیهم‌السلام به نیکی یاد کرده به ویژه امامان را افرادی عادل شمرده‌اند. ابوسلیمان داوود بن ابراهیم تلاتی (۹۶۷ق)، یکی از عالمان اباضیه در شعری که در وصف حضرت فاطمه علیها‌السلام سروده است، چنین می‌گوید: «او دختر رسول خدا و شوهر و دو فرزندش اهل بیت می‌باشند؛ نور او در همه جا گسترش یافته است». این شاعر به واسطه‌ی آنان برای خود و کسی که نسبت به فاطمه علیها‌السلام عنایت داشته باشد، رضایت خداوند را درخواست می‌نماید (سبحانی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۲۷۶). اباضیان در صلوات‌های خود از آل پیامبر علیهم‌السلام یاد کرده، پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آنها درود می‌فرستند (الخلیلی، [بی‌تا] (ب)، ص ۱۶).

شیخ احمد بن سعود السیابی، دبیرکل مفتی اعظم حکومت عمان در یکی از کنفرانس‌های وحدت تهران چنین اظهار نموده است که پیروان مذهبشان نسبت به حضرت علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام احترام قائل‌اند. او بیان کرده که ابن ملجم مرادی اصلاً از خوارج نبوده، بلکه از سرسپردگان و مزدوران معاویه بوده و به تحریک او امام علی علیه‌السلام را به شهادت رسانده است. السیابی برای ادعای خود مستندات از تاریخ طبری، مقاتل الطالبیین و... بیان کرده است (باقری، ۱۳۷۸ش، ص ۳۵۴).

اباضیه در مورد امام علی علیه‌السلام اعتقاد دارد که خلافت ایشان شرعی بوده؛ اما با قبول مسئله‌ی تحکیم دچار خطا شده است (البارونی، ۱۳۳۵ق، ص ۱۷-۱۸؛ حجازی، ۲۰۰۰م،

ص ۷۵). احمد بن حمد الخلیلی در اثری راجع به ایشان می‌نویسد که بیشتر اباضیه نسبت به خلیفه‌ی چهارم، علی بن ابیطالب علیه السلام احترام فراوان قائل‌اند؛ چراکه ایشان دارای ویژگی‌هایی چون صحابه‌بودن، قرابت و نزدیکی با پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و فقیه‌ترین اصحاب، عالم‌ترین آنان به کتاب الهی و مطلع‌ترین شخص به سیره‌ی نبوی هستند؛ از این رو در موارد بسیاری به آرای فقهی خلیفه‌ی چهارم، علی علیه السلام اخذ می‌شود. این دانشمند اباضی درباره‌ی جریان حکمیت بر این باور است که اوضاع به گونه‌ای پیش رفت که امام علی علیه السلام با اکراه به آن تن داد و در واقع ایشان را مجبور به پذیرفتن حکمیت بودند. وی همچنین خاطر نشان می‌کند که هر چند برخی امام علی علیه السلام را مورد سرزنش قرار می‌دهند، اباضیان معتقدند پذیرش تحکیم به رضایت امام نبوده است؛ بنابراین، این قضیه نیاز به بررسی بیشتری داشته و نباید بر چنین رخدادهایی که تأکید بر آن موجب بروز فتنه و تفرقه می‌شود، پافشاری کرد (الخلیلی، [بی‌تا] (ج)، ۱۰-۱۱).

#### ۳-۶. اباضیه و شیعه

با نگاهی به تاریخ اباضیه و شیعه می‌توان دریافت که شیعه و اباضیه هیچ‌گاه با یکدیگر درگیری و نزاع عملی نداشته‌اند (جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۱۰۶)، بلکه مواردی وجود دارد که بیانگر رابطه‌ای حسنه و نیکو میان این دو جریان اسلامی است؛ برای نمونه می‌توان به دوستی و شراکت تجاری هشام بن حکم و عبدالله بن زید اباضی مذهب اشاره نمود (الجاحظ، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۶) یا اینکه در زمان حکومت بنی‌رستم اباضی مذهب، گروهی از شیعیان و فرزندان امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام - که فرزندان محمد بن سلیمان العلوی، برادر ادریس اکبر، مؤسس دولت ادریسیان بودند- نزد آنان رفته و مورد کرامت و بزرگداشت رستمیان قرار گرفتند (دبوز، ۱۹۶۳م، ج ۳، ص ۳۳۶-۳۳۷).

اباضیه در میان شیعیان بیشتر با شیعه‌ی اثنی‌عشری سازگاری و نزدیکی دارد؛ اما دیدگاهشان نسبت به مذهبی چون زیدیه به‌سان اهل تسنن است و این شاید به خاطر نزدیکی عقاید اباضیه و امامیه باشد. این دو جریان کلامی از نظر فقهی نیز با یکدیگر نزدیکی داشته



و در مسائلی چون وجوب ارسال<sup>۱</sup> و مبطل بودن تکتف یا تکفیر<sup>۲</sup> در نماز، عدم جواز سه طلاقه نمودن در یک جلسه و عدم جواز مسح بر خفین با هم اشتراک دارند (ر.ک: الزحیلی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۴۵؛ النامی، ۲۰۰۱م، ص ۱۴۹). همچنین یکی از فتاوای فقهی مفتی اعظم عمان، احمد بن حمد الخلیلی جواز جمع بین صلاتین - البته در شرایط خاص - است که در این باب با نظر شیعه اتفاق دارد (الخلیلی، ۲۰۰۶م، ص ۳-۱۲).

اباضیه و امامیه در دو مسئله‌ی فقهی و عقیدتی با یکدیگر تفاوت نظر جدی دارند: یکی بحث جواز ازدواج موقت (الأغبزی، ۱۹۸۴م، ص ۱۵۱) و دیگری دکترین مهدویت (الوهیبی، ۲۰۰۴م، ص ۲۰۶-۲۱۱؛ کوبرلی، ۲۰۱۰م، ص ۲۲۴-۲۲۵) است که اباضیه با مورد نخست به شدت مخالفت و برای گزینه‌ی دوم به خاطر اضطراب احادیث نزد خودشان در این باره سکوت کرده، این گونه مسائل را دارای اهمیت حیاتی نمی‌دانند.

امر دیگری که حاکی از ارتباط خوب اباضیان و شیعیان است، رابطه‌ی مناسب سلطنت عمان - که رویکردی معتدل و مسالمت‌جویانه با دیگر مذاهب و کشورها دارد - با جمهوری اسلامی ایران است. در نخستین سال‌های سلطنت سلطان قابوس، شورش‌ی در عمان از سوی کمونیست‌ها شکل گرفت که وی از شاه ایران تقاضای یاری کرد و محمدرضا پهلوی که در ایران هم با خطر جریان کمونیستی روبه‌رو بود، به یاری عمان شتافت و در سال ۱۹۷۵ میلادی در عملیات ظُفار، شورشیان به‌طور کامل از میان برداشته شدند. از آن زمان به بعد، سلطان قابوس تثبیت سلطنت خود را مدیون ایران دانسته و همواره، چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، با کشور ایران رابطه‌ای نزدیک و مسالمت‌آمیز داشته است (نهادندی و بوماتی، ۱۳۹۲ش، ص ۵۹۳-۵۹۴). حضور بزرگان معاصر اباضیه و شخصیت‌های رده بالای اباضی چون احمد بن حمد الخلیلی و احمد بن سعود السیابی از کشور عمان در کنفرانس‌های وحدت و تقریب مذاهب در ایران که مهم‌ترین کشور با حکومت شیعه‌ی اثنی عشری است، چنین رابطه‌ی را تأیید می‌کند. این حضور تا جایی است که حتی رسانه‌های اباضی به‌خوبی

۱. با دست باز نمازگزاردن.

۲. با دست بسته نمازگزاردن.

به پوشش رسانه‌ای آن پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> سالیانه در مراسم حج نیز عالمان و پیروان این دو مذهب با یکدیگر ملاقات کرده، تعاملات فکری دارند. نمونه‌ی دیگر تأسیس کرسی فقه اباضی در دانشگاه مذاهب اسلامی در مهرماه سال ۱۳۹۲ شمسی با حضور مفتی اعظم عمان، یعنی احمد بن حمد الخلیلی (روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۲/۷/۱۴)، همچنین آغاز به کار دکتر عبدالله بن سعید المعمری در دانشگاه ادیان و مذاهب قم به عنوان استاد فقه اباضی از سال ۱۳۹۰ شمسی است (سایت دانشگاه ادیان و مذاهب، دسترسی در: urd.ac.ir/۹۶/۱۰/۱۵).

این‌گونه روابط باعث شده است شناخت بیشتری راجع به مکتب اباضی‌گری در میان شیعیان ایجاد شده، فرصت تعامل و تفاهم با اباضیان به وجود آید.

شیعیان ساکن عمان نیز با وجود جمعیت کمتر نسبت به اباضیان، دارای آزادی‌های مذهبی و سیاسی هستند. آنها در این کشور به کرسی‌های نمایندگی مجلس و نیز مقام وزارت و سفارت در کشورهای دیگر رسیده و به خاطر شیعه‌بودن از حقوق شهروندی‌شان کاسته نمی‌شود. روحیه‌ی معتدل و دارای تساهل و تسامح حکومت عمان و شخص سلطان قابوس در دوران کنونی موجب گردیده است شیعیان ده‌ها مسجد و حسینیه مانند مسجد جامع رسول اعظم ﷺ در مسقط (ر.ک: سایت تسجیلات مسجد الرسول الأعظم ﷺ)، و ویژه‌ی خود داشته باشند و مراسم‌هایی نظیر عزاداری امام حسین علیه السلام را بدون دغدغه‌های امنیتی و مذهبی برگزار نمایند. این روحیه تا جایی در دولت کنونی عمان نهادینه شده که اذان صبح در تلویزیون رسمی سلطنت عمان به سبک شیعی پخش شده و حساسیتی منفی نسبت به آن وجود ندارد. در امور اقتصادی نیز شیعیان عمان، به‌ویژه خوجه‌ها با اینکه جمعیتشان گاهی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود، نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی این کشور ایفا می‌کنند. به عنوان آخرین نکته درباره‌ی دولت عمان باید گفت که به هر دلیلی، بارها نقش میانجی سیاسی را میان ایران و عربستان و حتی امریکا بازی کرده و در دوران ما این امر بر همگان روشن است.



۱- برای نمونه ر.ک: سایت شبکه اهل الحق والاستقامه که تصاویری از حضور بزرگان اباضی در کنفرانس‌های وحدت تهران منتشر کرده است.

برخی علت وجود این گونه ارتباط حسنه میان دو مذهب را در سه امر خلاصه می کند: ۱. نزدیکی دو مذهب در مسائل عقیدتی؛ ۲. روحیه آزادی خواهی و ستم ستیزی موجود در هر دو گروه؛ ۳- در اقلیت بودن هر دو مذهب و مظلوم بودن آنان در برابر حاکمان جور (باقری، ۱۳۷۸ش، ص ۳۵۴). هرچند نمی توان سخن این نویسنده را به طور کامل پذیرفت؛ اما می توان سه امر یادشده را زمینه های مهمی در روابط مناسب میان دو مکتب قلمداد نمود.

برخی نویسندگان اباضی همهی جریان ها و مذاهب اسلامی را در پیشرفت تمدن و فرهنگ اسلامی سهیم دانسته (معر، ۲۰۱۴م، ص ۳۴۰) و در این میان، برتری شیعه بر امت را در تلاش ایشان برای اثبات حق آل البیت علیهم السلام در زندگانی و حکومت معرفی کرده اند. آنها معتقدند اگر شیعه نبود، ستم و قدرت نمایی بنی امیه بر بنی هاشم [به گونه ای فزاینده] عملی می شد (جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۱۱۹). البته در عباراتی دیگر اباضیه را نزدیک به حق و عقلانی تر از شیعه معرفی کرده و در نهایت اختلافات را جزئی شمرده، موجب نزاع مذهبی نمی دانند (همان، ص ۱۰۵-۱۰۸).

در نگاهی کلی، به جز اختلافات اندکی که در ذات هر مذهبی با دیگر مذاهب وجود دارد، امور دیگر نشان دهنده ی رابطه ی خوب و مناسب فرهنگی و اجتماعی میان شیعیان و اباضیان است؛ به ویژه در دوره ای که اباضیان تسامح و تساهل دینی و سیاسی را نسبت به کشورها و مذاهب دیگر سرلوحه ی کار خود قرار داده اند.

### ۷-۳. اباضیه و اهل سنت

پیروان اباضیه معتقدند اصلی ترین اختلاف اباضیه و دیگر فرق اسلامی، اختلاف سیاسی در مورد خلافت و شورا است. اباضیه هیچ گاه به دولت های اموی و عباسی به عنوان خلافتی اسلامی باور نداشته است؛ در حالی که دیگر مذاهب اسلامی در زیر سایه ی این دولت ها و حکومت های دیگر زندگی کردند. از قرن اول هجری تا کنون، فکر، فقه و رأی اباضی از سوی اهل سنت رد شده و آنها را از اهالی بدعت و از فرق خوارج دانسته اند. بسیاری از محدثان و فقهای اهل سنت نیز بخش زیادی از آرای معتزله، خوارج و شیعه را نپذیرفته، اقوال آنان را بدون تحقیق درباره ی حق یا باطل بودن آن، کنار می گذارند. خواسته ی آنها در

این زمان که مصالح مردم با یکدیگر ارتباط دارد و راه‌های تبادل فرهنگ و اطلاعات بسیار وسیع شده، این است که این موانع فکری میان اباضیه، سنیان و شیعیان از میان برداشته و از فکر اسلامی و میراث تاریخی و تمدن تمام گروه‌های اسلامی بهره‌برداری شود و این جز با شناخت و معرفت مذاهب از یکدیگر میسر نیست (همان، ص ۱۱۹-۱۲۰).

اندیشه‌های اباضیه با جریان‌های کلامی مهم اهل سنت مانند اشاعره و معتزله اشتراکات و تفاوت‌هایی دارد و شاید برخی از آرای مهمی چون وعد و وعید و بخشیده‌نشدن در صورت عدم توبه، خلق قرآن، پذیرش واجبات عقلی پیش از نظر شرع، تأویل صفات خبریه، و جوب برپایی امامت و عدم شرط دانستن قریشی بودن امام- هر چند فرد قرشی در نگاه اباضیان در اولویت است- به باورهای معتزلیان نزدیک‌تر باشد (همان، ص ۹۹-۱۰۰). اباضیه جز در مواردی با اهل سنت نیز مشکل خاصی ندارند، به ویژه در کشور عمان روابط خوبی دارند؛ حتی اباضیان در آثار خویش تلاش می‌کنند جریان اباضیه را نزدیک‌ترین فرقه به اهل سنت نشان دهند (معمر، ۱۴۲۹ق، حلقه‌ی اول، ص ۴۰).

### ۸-۳. اباضیه و وهابیت

یکی از چالش‌هایی که اباضیان به‌سان دیگر مذاهب اسلامی با آن روبه‌رو هستند، اختلافات عمیق فکری با وهابیان است که از ابتدای پیدایش وهابیت تا کنون با هم مشکلات فراوانی داشته‌اند؛ برای نمونه می‌توان از دعوت بن باز، رهبر سابق وهابیان برای مناظره از سوی شیخ الخلیلی اشاره کرد که شیخ می‌خواست پاسخ شبهاتی را که مشکل جدی با آنها داشت و مربوط به بن باز و اتباع او می‌شد، دریافت. وی پس از اینکه با عدم پذیرش از سوی رهبر وهابیان مواجه گردید، کتاب الحق الدماغ را در برابر شبهات وهابیت به‌خصوص مسئله‌ی رؤیت خداوند تألیف نمود. وهابیانی چون محمد ناصرالدین الألبانی، برخی از بزرگان اباضیه مانند مسلم بن ابی کریمه و ربیع بن حبیب را افرادی مجهول و مزعوم و مسند الجامع الصحیح ربیع را پر از روایات موهوم و مجهول می‌شمارند (ر.ک: الألبانی، ۱۹۹۲م، ج ۶، ص ۳۰۴ و ج ۱۲، ص ۹۲۱-۹۲۲ و ج ۱۳، ص ۱۰۵ و ۱۰۹؛ ۱۹۹۶م، ج ۶، ص ۱۰۵۹؛ ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۱۰۳۶)؛ همچنین برخی دیگر، آثاری مستقل نظیر مسند الربیع بن حبیب



الإباضی درسه نقدیه در نقد کتاب حدیثی یادشده و اثبات وجود تاریخی نداشتن نویسنده‌ی آن منتشر نموده‌اند (آل‌حمید، ۱۴۳۰ق، ص ۲۴۸-۳۰۰). طبیعی است که این امور به هیچ وجه مورد پذیرش اباضیان نباشد.

نمونه‌ی دیگر از رابطه‌ی نامناسب وهابیت و اباضیه، ایجاد تفرقه مذهبی از سوی وهابیان در الجزایر است که با راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای «اقرأ» بر ضد اباضیان و بیان حکم قتل و تکفیر آنها موجب درگیری فیزیکی مردم با اباضیان در استان غردایه و بیان شعار «لا إله إلا الله إِباضی عدو الله» از سوی آنها شده و باعث کشته‌شدن شش نفر و زخمی‌شدن شصت نفر گردیدند (روزنامه‌ی رأی الیوم، ۲۰۱۴/۳/۱۹).

### ۳-۹. روحیه‌ی تساهل و تسامح مذهبی در اباضیان معاصر

اباضیان کنونی بیشتر بنای خود را بر تعامل با دیگر مذاهب گذاشته و از مدافعان وحدت و تقریب میان مسلمانان هستند (خلیفات، ۱۴۱۵ق، ص ۵۴)؛ برای نمونه مفتی اعظم عمان در مقاله‌ای در باب وحدت که به مجلس اعلای اسلامی الجزائر فرستاده است، درباره‌ی لزوم وحدت و عدم تکفیر دیگران می‌نگارد:

اباضیه بیشترین اصرار را بر عدم خروج مخالفان از دایره‌ی اسلام دارند، تا زمانی که دلیلی برای استناد [به مسلمان بودن شخص] داشته باشند؛ از آن جهت که بر شامل بودن، وحدت صفوف، اجتماع امت و یکی‌بودن بنیان‌های اسلامی حریص‌اند (الخلیلی، [بی‌تا] (الف)، ص ۱۰).

شیخ علی معمر هم هنگامی تکفیر اهل قبله را جایز می‌داند که در باور فرد به اعتقادات اسلامی خللی وارد باشد؛ مانند اینکه یکی از ضروریات دین، صفتی از صفات الهی، یکی از پیامبران یا حرفی از قرآن کریم را انکار کند (معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۰۸). او بر آن است که همه‌ی فرقه‌های اسلامی با یکدیگر یکسان بوده، بر یک جایگاه [در دامن اسلام] قرار گرفته‌اند؛ بنابراین هیچ فرقه‌ای برتر و بهتر از دیگر مذاهب در اسلام به مثابه یک مجموعه نیست (همان، ص ۲). برخی نیز از زاویه‌ی نگاهی دیگر مسلمانان را در عصر فراوانی رسانه‌های ارتباطی، نیازمند شناخت کامل از هم دانسته و همه‌ی جریان‌های اسلامی را در بردارنده‌ی بخشی از حقیقت اسلامی معرفی می‌کنند (جهلان، ۲۰۱۰م، ص ۱۱۹).



اباضیان در راستای اندیشه‌ی تساهل و تسامح دینی، فعالیت‌های عملی نیز داشته‌اند و برگزاری حدود صد نمایشگاه در سی کشور دنیا- تا اکتبر سال ۲۰۱۶م- درباره‌ی تجربه‌ی تساهل دینی در میان مردم عمان، به عنوان یک تجربه‌ی موفق است که تا کنون در کشورهای چوچون اسپانیا، آلمان، اتریش، بلژیک، امریکا و استونی برپا شده است تا این تجربه را به حدود هشت میلیون بازدیدکننده‌ی این نمایشگاه‌ها انتقال دهند (روزنامه‌ی الرؤیه، ۲۰۱۶/۱۰/۳۱).

#### ۴. وضعیت سیاسی اباضیان

در طول تاریخ، پیروان این مذهب چندین بار و در مناطق مختلف اسلامی دولت‌هایی برای خود داشته‌اند که تنها دولت باقیمانده‌ی اباضیه در عصر حاضر، دولت عمان است که هنوز هم در اختیار حاکمی اباضی بوده و بیش از نیمی از مردم آن دیار بر این مسلک‌اند. دولت‌های تشکیل‌شده‌ی اباضیه عبارت‌اند از: ۱. دولت عمان که در زمان ابومنصور سفاح، اولین خلیفه‌ی عباسی در این منطقه تشکیل گردید و تا کنون نیز ادامه دارد؛ ۲. دولتی اباضی در لیبی در سال ۱۴۰ قمری که بیش از سه سال دوام نیاورد (سبحانی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۳۸۳ و ج ۹، ص ۱۴۳)؛ ۳. دولت بنی‌رستم در تاهرت<sup>۱</sup> (حک ۱۴۴-۲۹۷ق) که مؤسس آن عبدالرحمن بن رستم اباضی بود و بیش از صد سال در این منطقه حضور قدرتمند داشتند (سالم، ۲۰۰۸م، ص ۴۴۷-۴۹۳)؛ ۴. دولت اباضی بنی‌برزال در اندلس (حک ۴۰۴-۴۵۹ق) که با از دست رفتن این منطقه از دست مسلمانان حکومت کوچک اباضی در این منطقه نیز سقوط نمود (ر.ک: بکوش، [بی‌تا]، تمام کتاب؛ ضیائی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۱۷-۳۳۸).

اگرچه امروزه در دیگر مناطق جهان به جز عمان، اباضیه دارای حکومت و تشکیلات سیاسی مستقلی نیست؛ اما این به معنای گوشه‌نشینی سیاسی کامل آنها نبوده و برای نمونه می‌توان از حرکت‌های اصلاحی و سیاسی در الجزائر همچون قیام شیخ ابراهیم بیوض پس از جنگ جهانی اول و مقاومت او و جنبش اصلاحی‌اش در برابر استعمار فرانسه (اعوشت،

۱. تاهرت همان شهر «تیارت» کنونی است که در ۲۳۰ کیلومتری جنوب الجزیره واقع شده است.



۲۰۰۹م، ص ۶۴) و نیز فعالیت‌های شیخ سلیمان بارونی بر ضد استعمار اروپائیان در لیبی یاد کرد (الخلیلی، [بی‌تا] (الف)، ص ۷).

اباضیان معاصر از نظر سیاسی تنها یک حکومت مستقل در عمان دارند که کم و بیش از حمایت‌های این دولت در نقاط مختلف جهان برخوردار می‌گردند. سلطنت عمان به پادشاهی سلطان قابوس البوسعیدی به‌طور معمول به دنبال ارتباط با دیگرکشورها در یک رابطه‌ی مسالمت‌آمیز و همراه با تسامح بوده (المرهوبی، ۱۹۸۰م، ص ۴۴-۴۵) و نوعی محافظه‌کاری سیاسی نزد سیاستمداران این کشور برای محافظت از اقلیت اباضی در برابر دیگرمسلمانان و کشورهای همجوار دیده می‌شود. یکی از فعالیت‌های حکومت عمان در راستای حمایت از اباضیان دنیا به واسطه‌ی تأسیس سازمانی با عنوان «معهد العالی للقضاء» است که خود را مسئول می‌بیند تا تمام اباضیان دنیا را تحت پوشش خود قرار داده، به نیازمندان مالی یاری رساند؛ همچنین به مراکز اباضیه پول‌هایی می‌فرستد تا در اختیار افرادی از این مذهب برای تجارت قرار گیرد. این کمک‌ها بلاعوض بوده، اما معمول است تاجر در کاری اخلاقی، پس از تثبیت درآمد و موفقیت در کار، آن وجه را باز می‌گرداند تا در اختیار دیگران نیز قرار داده شود.<sup>۱</sup>

نتیجه‌ی همه‌ی این امور، بیرون‌آمدن از انزوای فرهنگی و سیاسی اباضیان و دولت عمان در سالیان اخیر در دوران سلطان قابوس به عنوان پادشاه و شیخ احمد بن حمد الخلیلی به عنوان مفتی اعظم بوده است. چنان‌که مشاهده می‌شود، سلطنت عمان در برخی منازعات سیاسی کشورهای اسلامی با یکدیگر حتی با کشورهای غیراسلامی چون امریکا، به هر دلیلی که هست، در میانجی‌گری میان آنها پیش قدم شده و خود را به مثابه دولتی خیرخواه و غیرمتعصب در امور سیاسی و دینی نشان می‌دهد.

## ۵. وضعیت اعتقادی و کلامی اباضیان

باید بسیاری از اباضیان را در اعتقاداتشان نسخه‌ای تعدیل‌یافته از خوارج دانست که با دیگر جریان‌های فکری اسلامی اشتراکات و اختلافاتی دارد. درباره‌ی باورهای اعتقادی

۱. برگرفته از گفت‌وگوی نگارنده با یکی از اباضیان عمانی.

اباضیان گفتنی است که بیشتر اعتقادات و اندیشه‌های کلامی موجود در منابع متقدم اباضیه، مورد تأیید اباضی‌های معاصر نیز بوده و در میانشان سریان و جریان داشته، در کتاب‌های نگاشته‌شده از سوی اندیشمندان معاصر اباضی در سده‌ی اخیر از آنان بهره برده شده است. اعتقاداتی مانند توحید و یگانگی خداوند و مخالفت با تشبیه و تجسیم (اطفیش، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹؛ معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۰۸ و ۳۲۵)، عینیت صفات با ذات (همان، ص ۳۰۸؛ اعوشت، ۲۰۰۹م، ص ۷۲)، عدم رؤیت الهی (ر.ک: همان، ص ۷۴؛ معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ الخلیلی، ۱۹۹۲م، ص ۲۳-۹۶؛ النامی، ۲۰۰۱م، ص ۱۶۵-۱۶۷)، باور به اندیشه‌ی لا جبر و لا تفویض و نظریه‌ی کسب در افعال انسان (برادی، ۱۹۹۴م، ص ۱۰؛ معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۲۵؛ النامی، ۲۰۰۱م، ص ۱۷۱؛ اعوشت، ۲۰۰۹م، ص ۷۳؛ طعیمه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۸-۱۲۹)، تأویل صفات خبریه‌ای چون دست و استواء به قدرت برای خدا (الربیع بن حبیب، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۹)، منافق و کافرِ نعمت بودن مرتکب کبیره (النامی، ۲۰۰۱م، ص ۱۷۵-۱۷۷ و ۱۷۹؛ معمر، ۲۰۱۴م، ص ۳۰۷)، ولایت و برائت (اعوشت، ۲۰۰۹م، ص ۷۵)، وجوب داشتن امام (عبدالكافی، ۱۹۸۷م، ج ۲، ص ۲۲۳) و نیز باور به خلق قرآن (ر.ک: برادی، ۱۹۹۴م، ص ۱۱؛ بییر کوبرلی، ۲۰۱۰م، ص ۳۰۰؛ احمد بن حمد الخلیلی، ۱۹۹۲م، ص ۹۷-۱۸۱) از شاخص‌ترین اندیشه‌های اباضیان است که در میان گرایش‌های مختلف فکری اسلامی متمایل به جریان عقل‌گرایی بوده و جایگاه ویژه‌ای برای عقل در پذیرش و تحلیل باورهای دینی ترسیم می‌کنند.

درباره‌ی اباضیه‌ی معاصر نباید به دنبال شاخه‌ها و گروه‌های سابقه‌ی بود که بیشتر در کتب ملل و نحل نویسان آمده است، بلکه اکنون جریان اصلی، همان صورت کلی اباضیه است. عمده مسئله‌ای که می‌توان درباره‌ی جریان کلامی کنونی اباضیه به آن اشاره نمود، برخی اختلافاتی است که میان اباضیان عمان و الجزائر وجود دارد که درون‌مذهبی بوده، نمایانگر دو جریان کلامی داخلی مشرقی و مغربی در میان اباضیه‌ی معاصر است.

البته دست‌یافتن به این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها نیاز به تحقیق و تدقیق فراوان و درست‌ترس بودن منابع الجزائری دارد؛ چراکه منابع و مآخذ عمانی یا منسوب به آنها قابل دسترس‌تر است. این بدان معنا نیست که آنها در بسیاری از مسائل با یکدیگر اختلاف

داشته باشند، بلکه بیشتر اعتقادات و اندیشه‌های کلامی مذکور مورد پذیرش بیشتر اباضیان معاصر بوده و در آثاری که از جانب اندیشمندان برجسته‌ی معاصر اباضی نظیر علی یحیی معمر، عمرو خلیفه‌النامی، احمد بن حمد الخلیلی و دیگران نگاشته شده است، به همین صورت بوده و تقریباً هیچ‌کدام متعرض این تفاوت‌ها که اندک می‌نماید یا کمرنگ است، نگردیده‌اند. درباره‌ی جریان الجزائر نیز باید گفت که آنها تأکید بیشتری بر پیروی از سلف داشته، نسبت به عمانی‌ها در این امر افراط ورزیده و قدرت‌سازگاری کمتری با مذاهب دیگر و مسائل نوین و عقلی از خود نشان می‌دهند.

در نگاهی کلی باید خاطر نشان نمود که اباضیه در میان گروه‌های اسلامی، از نظر فکری به جریان‌های عقل‌گرا مانند شیعه و معتزله نزدیک‌تر بوده و با فرقه‌هایی چون اهل حدیث و اشاعره تفاوت‌های بیشتری دارند. آنها در صفات خبری‌ای که منجر به تجسیم و تشبیه می‌شوند، راه تأویل را پیش گرفته، بسیاری از اعتقادات خود را با محک عقل می‌آزمایند.

برخی آثار در باب فرق و مذاهب اسلامی، مسائلی را به فرقه‌ی اباضیه نسبت داده‌اند که پیروان آنها نپذیرفته یا برای آن توجیهاتی دارند؛ برای نمونه آنها را منکر اجماع، رجم و عذاب قبر معرفی می‌کنند. برخی چنین در صدد پاسخ برآمده‌اند که اباضیه منکر اجماع نبوده، بلکه آن را اصل سوم در تشریح می‌دانند؛ منکر رجم نبوده و معتقدند رجم به واسطه‌ی سنت شفاهی و عملی ثابت شده است؛ آنها عذاب قبر را نیز پذیرفته‌اند و این مسئله را به روایات فراوانی که در این باب رسیده است، مستند می‌کنند (النجار، ۲۰۰۴م، ص ۹). این‌گونه نسبت‌ها در کتاب‌های ملل و نحل، در کتاب‌های قدیمی‌تر بیشتر به چشم می‌خورد (ر.ک: الملطی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲؛ البغدادی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۲-۸۳). اباضیه به عنوان یکی از شاخه‌های خوارج، در کنار برخی گروه‌های دیگر مانند اسماعیلیه، همیشه آماج تهمت‌ها و نسبت‌های مختلف بدون استناد یا مطالعه‌ی دقیق بوده است.

## جمع‌بندی

اباضیه که از فرقه‌های انشعاب‌یافته از خوارج بوده و معتقد به امامت و تأثیرگذاری فراوان جابر بن زید ازدی، حتی بیشتر از ابن‌اباض است، امروزه از اطلاق نام خوارج بر خود ابا داشته، خود را «اهل الحق و الإستقامه» می‌نامد. بیشترین تمرکز جمعیتی اباضیه کنونی در کشور عمان است؛ اما آنها در مناطق دیگری چون الجزائر، لیبی، تونس، تانزانیا، زنگبار، رواندا، بوروندی، موریتانی، کنیا، یمن و حضور داشته و عالمان بزرگی چون شیخ احمد بن حمد الخلیلی، محمد بن یوسف اَطْفَیْش، نورالدین سالمی و علی یحیی معمر دارند که به دو جریان فکری عمان و الجزائر تعلق داشته و توانسته‌اند جان تازه‌ای به وضعیت اجتماعی و عقیدتی اباضیه ببخشند.

اباضیان در زمان ما از نظر سیاسی و اجتماعی از انزوای گذشته کم و بیش خارج شده و با فعالیت‌های خویش اثری بزرگ بر تاریخ سیاسی معاصر کشور عمان به عنوان تنها حکومت اباضی در جهان بر جای نهاده‌اند. آنها در شمال افریقا دارای نظام ترویج اندیشه «العزّابه» بوده، مبلغانی برای ترویج اندیشه‌ی اباضی و ادامه‌ی حیات آن به مراکز جمعیتی اباضیه گسیل می‌دارند و از رسانه‌های جدیدی چون اینترنت بهره‌های فراوانی می‌برند.

رابطه‌ی پیروان کنونی این فرقه با اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان خوب و مناسب بوده، به ایشان به عنوان افرادی عادل و بزرگوار می‌نگرند؛ همچنین با بیشتر مسلمانان رویه‌ی تساهل و تسامح دینی در پیش گرفته‌اند؛ اما به‌سان دیگر پیروان اسلام، با چالشی به نام وهابیت روبه‌رو هستند.

اباضیان به دلیل رویکرد عقل‌گرا در اندیشه‌های خود بیشتر به جریان‌هایی چون تشیع و معتزله نزدیک بوده و با نص‌گرایی و جمود بر آن مخالف‌اند و برای نمونه صفات خبریه را بر معانی دیگری غیر از معنای ظاهری تأویل می‌کنند. اباضیان از نظر کلامی دارای دو جریان عمده در عمان و الجزائر هستند که جریان دوم بیشتر بر پیروی از سلف تأکید نموده، بر خلاف جریان نخست، گاهی با رویکردی افراطی به مسائل می‌نگرد و با گرایش‌های



عقل‌گرا سازگاری کمتری دارد. اباضیان در اندیشه‌های کلامی خود به‌جز در مواردی اندک، فاصله‌ی بسیاری با اندیشه‌های خوارج و فرقه‌های آن دارند که با کاوش و دقت در اندیشه‌های آنان می‌توان این امر را به‌وضوح مشاهده نمود؛ چنان‌که خود نیز همواره بر آن پافشاری می‌کنند.



## منابع

١. ابن حوقل، صورة الأرض، قاهره، دارالكتاب الاسلامي، [بى تا].
٢. ابو زهره، محمد، تاريخ المذاهب الاسلاميه فى السياسه والعقائد وتاريخ المذاهب الفقهيه، قاهره، دارالفكر العربى، ١٩٩٦م.
٣. اسفراينى، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد، التبصير فى الدين و تمييز الفرقه النجيه من الفرق الهالكين، تحقيق محمد زاهد الكوثرى، قاهره، مكتبه الخانجى - بغداد، مكتبه المشنى، ١٣٧٤ق.
٤. اسماعيل، محمود، الخوارج فى المغرب الإسلامى (ليبيا، تونس، الجزائر، المغرب، موريتانيا)، بيروت، دار العوده، ١٩٧٦م.
٥. اشعري، ابوالحسن على بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين، تحقيق محى الدين عبدالحميد، دمشق، الحكمه، ج١، ١٤١٥ق.
٦. اطفيش، محمد بن يوسف، شرح عقيدته التوحيد، عمان، وزارت التراث القومى والثقافه، ١٤٠٣ق/١٩٨٣م.
٧. اعوش، بكير بن سعيد، أضواء اسلاميه على المعالم الإباضيه، سيب (عمان)، مكتبه الضامرى للنشر و التوزيع، ج٤، ٢٠٠٩م.
٨. اعوش، بكير بن سعيد، دراسات اسلاميه فى الأصول الإباضيه، قاهره، مكتبه وهبه، ج٣، ١٩٨٨م.
٩. الأغبرى، سالم بن سيف بن حمد، النظم المحبوب فى غاية المطلوب، عمان، وزارت التراث القومى والثقافه، ١٩٨٤م.
١٠. الألبانى، محمد ناصرالدين، أصل صفة صلاة النبى صلى الله عليه و سلم، رياض، مكتبه المعارف، ج١، ٢٠٠٦م.
١١. الألبانى، محمد ناصرالدين، سلسله الأحاديث الصحيحه شىء من فقهاها وفوائدها، رياض، مكتبه المعارف، ج١، ١٩٩٦م.
١٢. الألبانى، محمد ناصرالدين، سلسله الأحاديث الضعيفه والموضوعه و أثرها السيئ فى الأمة، رياض، دار المعارف، ج١، ١٩٩٢م.
١٣. اميرشاهى، ذوالفقار، لىبى، تهران، دفتر مطالعات سياسى و بين المللى وزارت امور خارجه، ج١، ١٣٧٧ش.
١٤. آل حميد، سعد بن عبدالله، «مسند الربيع بن حبيب الإباضى دراسه نقديه»، مندرج در: نشریهى مجله ام القرى لعلوم الشريعه و الدراسات الإسلاميه، مكه مكرمه، جامعه أم القرى، ش٤٨، رجب ١٤٣٠ق.
١٥. البارونى، ابى الربيع سليمان، مختصر تاريخ الإباضيه، تونس، [بى تا]، ١٣٣٥ق.
١٦. باقرى، سيد ابوالحسن، «عترت از نگاه ديگران» مندرج در: مجموعه مقالات جشنوارهى دوم شيخ طوسى (ره)، ج١، ١٣٧٨ش.
١٧. برادى، ابوالقاسم بن ابراهيم، دراسه فى تاريخ الإباضيه و عقيدتها، تحقيق محمد عزب و احمد عبدالتواب عوض، قاهره، دارالفضيله، ١٩٩٤م.
١٨. البغدادى، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق و بيان الفرقه الناجيه منهم، بيروت، دارالجيل/ دار الآفاق، ١٤٠٨ق.
١٩. بكوش، محمد يحيى، الوجود الإباضيه بالأندلس، [بى تا]، مكتبه الكتب الاسلاميه، [بى تا].
٢٠. بنت سعيد القتيبيه، مريم، نظرات حول المذهب الإباضى، [بى تا]، [بى تا].



۲۱. البوسعيدى، صالح بن احمد، روايت الحديث عند الاباضيه، [بى تا]، ج ۱، ۲۰۰۰م.
۲۲. الجاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، البيان و التبيين، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مكتبه الخانجى، [بى تا].
۲۳. الجعبيرى، فرحات بن على، التجربه السياسيه عند الإباضيه، سيب (عمان)، مكتبه الضامرى للنشر و التوزيع، ج ۱، ۲۰۱۵م.
۲۴. جمعى از نويسندگان، معجم أعلام الإباضيه، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ۲۰۰۰م.
۲۵. جهلان، عدون، الفكر السياسى عند الإباضيه، سيب (عمان)، مكتبه الضامرى للنشر و التوزيع، ج ۳، ۲۰۱۰م.
۲۶. حجازى، عبدالرحمن عثمان، تطور الفكر التربوى الإباضى فى الشمال الإفريقى، بيروت، مكتبه العصريه، ج ۱، ۲۰۰۰م.
۲۷. خليفات، عوض محمد، اصول التاريخيه للفرقه الإباضيه، عمان، وزارت التراث القومى و الثقافه، ج ۳، ۱۴۱۵ق.
۲۸. خليفات، عوض، نشأت الحركه الإباضيه، عمان، وزارت التراث و الثقافه، ج ۱، ۲۰۰۲م.
۲۹. الخليلى، احمد بن حمد، الحق الدامغ، عمان، مكتبه الضامرى، ج ۲، ۱۹۹۲م.
۳۰. الخليلى، احمد بن حمد، الوحدة الإسلاميه من خلال سيرة العلامة سالم بن ذكوان الهلالى، [بى جا]، [بى تا] (الف).
۳۱. الخليلى، احمد بن حمد، تفهيم مفاهيم خاطئه، [بى تا]، [بى تا] (ب).
۳۲. الخليلى، احمد بن حمد، جمع بين الصلاتين، عمان، وزاره الأوقاف و الشؤون الدينيه، مكتب الإفتاء (تاريخ اعلام فتوا: ۲۰۰۶/۳/۱۵م).
۳۳. الخليلى، احمد بن حمد، موقف الإباضيه من الخليفتين عثمان و على، [بى تا]، [بى تا] (ج).
۳۴. دبوز، محمدمعلى، تاريخ المغرب الكبير، قاهره، دار احياء الكتب العربيه، ج ۱، ۱۹۶۳م.
۳۵. الدرجينى، ابوالعباس احمد بن سعيد، طبقات المشايخ، تحقيق ابراهيم طلالى، قسنطينه (الجزائر)، مطبعه البعث، ۱۹۷۴م.
۳۶. الربيع بن حبيب، الجامع الصحيح مسند الامام الربيع بن حبيب، تحقيق محمد ادريس و عاشور بن يوسف، بيروت، دارالحكمه، ۱۴۱۵ق.
۳۷. رستم، سعد، الفرق و المذاهب الإسلاميه منذ البدايات (النشأة - التاريخ - العقيدة - التوزع الجغرافى)، دمشق، الأوانل، ج ۳، ۲۰۰۵م.
۳۸. الزحيلى، وهبه، الفقه الاسلامى و أدلته، دمشق، دارالفكر، ج ۳، ۱۹۸۹م.
۳۹. سالم، سيد عبدالعزيز، تاريخ المغرب فى العصر الاسلامى، اسكندريه، موسسه شباب، ۲۰۰۸م.
۴۰. السالمى، نورالدين عبدالله بن حميد، اللمه من أشعه الإباضيه، [بى جا]، [بى تا]، ۱۴۰۱ق.
۴۱. السالمى، نورالدين عبدالله بن حميد، تحفه الأعيان بسيره اهل العمان، عمان، مكتبه الامام نورالدين السالمى، ج ۲، ۲۰۰۰م.
۴۲. السالمى، نورالدين عبدالله بن حميد، شرح الجامع الصحيح، تحقيق عزالدين التنوخى، دمشق، [بى تا]، ۱۹۶۳م.
۴۳. سبحانى، جعفر، بحوث فى الملل و النحل، قم، مركز مديريت حوزة علميه قم، ج ۱، ۱۳۷۱ش.





۴۴. السیابی، سالم بن حمود، الحقیقه و المجاز فی تاریخ الإباضیه باليمن و الحجاز، عمان، وزارت التراث القومي، ۱۴۰۰ق.
۴۵. الشماخی، احمد بن سعید، کتاب السیر، تحقیق احمد بن سعود السیابی، عمان، وزارت التراث القومي، ۱۴۰۷ق.
۴۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ۲۰۰۲م.
۴۷. ضیائی، علی اکبر، تاریخ و اعتقادات اباضیه، قم، نشر ادیان، ج ۱، ۱۳۹۰ش.
۴۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ج ۲، ۱۹۶۷م.
۴۹. طعیمه، صابر، الإباضیه عقیده و مذهباً، بیروت، [بی نا]، ۱۴۰۶ق.
۵۰. عبدالکافی الإباضی، ابوعمار، الموجز فی تحصیل السؤال و تلخیص المقال فی الرد علی اهل الخلاف، تحقیق عمار الطالبی، بیروت، المشرق، ۱۹۸۷م.
۵۱. عرب احمدی، امیر بهرام، تازانیا سرزمین همیشه سبز، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ج ۱، ۱۳۸۴ش.
۵۲. عرب احمدی، امیر بهرام، اسلام در شرق افریقا، قم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۱، ۱۳۹۱ش.
۵۳. کوبرلی، بییر، مدخل الی درسه الإباضیه و عقیدتها (بحث مقارن فی العقیده الإباضیه فی بلاد المغرب و عمان)، ترجمه عمار الجلاصی، سبب (عمان)، مکتبه الضامری للنشر و التوزیع، ج ۱، ۲۰۱۰م.
۵۴. کوک، ژوزف ام، مسلمانان افریقا، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۱، ۱۳۷۳ش.
۵۵. لویکی، تی، اباضیه، (مندرج در دانشنامه ایران و اسلام)، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۵ش.
۵۶. المرهوبی، عامر علی عمیر، عمان قبل و بعد الاسلام، عمان، وزارت التراث القومي و الثقافه، ۱۹۸۰م.
۵۷. معمر، علی یحیی، اباضیه مذهب اسلامی معتدل، مقدمه و تعلیق احمد بن سعود السیابی، عمان، وزاره الأوقاف و الشؤون الدینیة، ج ۲، [بی تا].
۵۸. معمر، علی یحیی، الإباضیه بین الفرق الاسلامیه، سبب (عمان)، مکتبه الضامری للنشر و التوزیع، ج ۳، ۲۰۱۴م.
۵۹. معمر، علی یحیی، الإباضیه فی تونس، عمان، مکتبه الضامری، ج ۲، ۱۹۹۳م.
۶۰. معمر، علی یحیی، الإباضیه فی موكب التاريخ، سبب (عمان)، مکتبه الضامری للنشر و التوزیع، ج ۳، ۱۴۲۹ق.
۶۱. الملطی، محمد بن احمد بن عبدالرحمن، التنبيه و الرد علی أهل الأهواء و البدع، تحقیق محمد زینهم، قاهره، مدبولی، ج ۱، ۱۴۱۳ق.
۶۲. ناصر، محمد صالح، منهج الدعوه عند الإباضیه، عمان، مکتبه الاستقامه، ۱۴۱۸ق.
۶۳. النامی، عمرو خلیفه، دراسات عن الإباضیه، ترجمه به عربی میخائیل خوری، بیروت، دار الغرب السلامی، ج ۱، ۲۰۰۱م.
۶۴. النجار، عامر، الاباضیه، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، ۲۰۰۴م.

۶۵. نهاوندی، هوشنگ و ایوبوماتی، محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه (۱۹۱۹-۱۹۸۰م)، ترجمه از فرانسه دادمهر، [بی‌جا]: شرکت کتاب، ۱۳۹۲ش.

۶۶. الوهیبی، خالد بن مبارک، أشراف الساعة النص و التاريخ، بهلاء (عمان)، مكتبة الغبراء، ج ۱، ۲۰۰۴م.

۶۷. هاشم، مهدی طالب، الحركة الإباضیه فی المشرق العربی، لندن، دار الحکمه، ج ۲، ۲۰۰۳م.

### نشریات و پایگاه‌های اینترنتی:

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۹۲/۷/۱۴ در:

[http://www.jomhourieslami.com/1392/13920714/13920714\\_03\\_jomhori\\_islami\\_akhbar\\_dakheli\\_0037.html](http://www.jomhourieslami.com/1392/13920714/13920714_03_jomhori_islami_akhbar_dakheli_0037.html)

۲. روزنامه‌ی (عمانی) الکترونیکی الرؤیة، ۲۰۱۶/۱۰/۳۱ در: <https://alroya.om/post/173555>.

۳. روزنامه‌ی رأی الیوم، ۲۰۱۴/۳/۱۹ در: <http://www.raialyoum.com/?p=65292>.

۴. سایت تسجیلات مسجد الرسول الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، <http://alrasoolmedia.com>.

۵. سایت دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ۹۶/۱۰/۱۵ در: <http://www.urd.ac.ir/cont.php?newsid=597>.

